



انرژی ماورایی و ارتباط باموکل

قویترین تکنیک

برای رسیدن به

روشن بینی، برون فکنی روحی

و

ارتباط باموکل و کاملترین کتاب

در مورد معرفی موجودات ماورایی

زین العابدین احمدی

سرشناسه: احمدی، زین العابدین، ۱۳۳۱
عنوان و نام پدیدآور: انرژی ماورایی و ارتباط با موکل / زین العابدین احمدی
مشخصات نشر: مشهد، سیمرغ خراسان، ۱۳۸۹
شابک: ۸-۸۸-۵۳۱۳-۶۰۰-۹۷۸ ص: ۲۶۰ قیمت: ۴۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: فیفا
عنوان دیگر: ارتباط با موکل
موضوع: فرا روان شناسی
رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۳۳ الف ۲ / ف ۱۰۳۸ BF
رده بندی ویدیوی: ۱۳۳/۸ شماره کتابشناسی: ۸۵-۳۵۰۳۶ م

مشهد: بلوار معلم، بین معلم ۱۹ و ۲۱، پلاک ۲۲۱.



سیمرغ خراسان تلفن: ۰۵۱۱۶۰۷۷۷۴۰ - ۰۹۱۵۷۰۰۱۰۳۰

نام کتاب: انرژی ماورایی و ارتباط با موکل

نویسنده: زین العابدین احمدی
ناشر: سیمرغ خراسان
ویراستار: حسین احمدی
صفحه آرای و طرح روی جلد: مرتضی احمدی
چاپ: دقت
تیراژ: ۲۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: دوم (اول ناشر) ۱۳۸۹
قطع: رقعی
شابک: ۸-۸۸-۵۳۱۳-۶۰۰-۹۷۸
قیمت: ۴۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ و مخصوص نویسنده است

مرکز پخش: عدل خمینی ۶۳- پلاک ۸
۸۵۲۰۹۳۳ - ۰۹۱۵۸۳۱۹۶۷۹ - ۰۹۱۵۳۱۹۲۸۷۹

فهرست

عنوان	صفحه
مقدمه	۵
پیشگفتار	۱۰
فصل اول	
دیدگاه کلی	۲۶
انفجار بزرگ	۳۴
فصل دوم (تمرین های ویژه)	۵۵
گروه اول: کسانی که با مسائل متافیزیک آشنایی مختصر دارند)	۵۵
گروه دوم: کسانی که خود هیپنوتیزم را یاد دارند.	۷۶
تمرینات اختصاصی گروه دوم	۸۱
گروه سوم: کسانی که برون فکنی روحی دارند	۸۸
گروه چهارم: کسانی که چشم شان باز است	۱۰۳
فصل سوم	
ارتباط با موکل	۱۰۷
فصل چهارم	
موجودات متافیزیکی	۱۳۵
فصل پنجم	
انواع موجودات متافیزیکی	۱۶۸
فرشته یاملک	۱۶۸
ارواح متعالی	۱۷۱
ارواح عادی	۱۷۳
ارواح خبیث	۱۷۴
جن	۱۷۷

۱۸۲	 دیو
۱۸۶	 آل
۱۸۸	 زنان بهشتی
۱۸۸	 پری
۱۸۹	 موجودات فضایی
۱۹۰	 یک گروه دیگر

فصل ششم

۱۹۱	 روح چیست
۲۰۹	 توانمندیهای روح
۲۰۹	 برون فکنی روحی چیست
۲۱۷	 راه رفتن بر روی آب
۲۱۸	 راه رفتن در هوا
۲۲۰	 طی الارض
۲۲۷	 روشن بینی و تفال
۲۲۹	 انگیزه بت پرستی
۲۴۰	 انرژی درمانی
۲۵۰	 آلودگی انرژی ماورایی
۲۵۶	 آلودگی انرژی چیست
۲۵۹	 منابع

مقدمه

کتابی که در دست دارید، نه کتابی دینی است و نه فقهی یا تاریخی بلکه کتابی است در مورد تواناییهای روح انسان. از این رو شاید بتوان آنرا کتابی در مورد فراروانشناسی که روانشناسان آن را پاراپسیکولوژی می نامند، خواند. بدیهی است که مطالب پاراپسیکولوژی همانند سایر علوم در چهارچوب احکام دینی و فقه ادیان مختلف قابل تبیین و توجیه نیست. در پزشکی مرده را سالها دفن نمیکنند تا دانشجویان تشریح کنند. جسد مرده را برای تشریح مثله می کنند. به زنان نامحرم دست میزنند حتی متخصصین زنان و زایمان، زنان مسلمان را معاینه میکنند. شکم افراد مسلمان را پاره می کنند. خون عده ای فقیر را می مکند و به افراد غنی و پولدار تزریق می کنند. اعضاء بدن میت یا افراد محتاج و نیازمند را به اغنیا پیوند می زنند.^۱ همه این اعمال در تمام ادیان آسمانی حرام است و گناهی نابخشودنی محسوب می شود.

همچنین این علم در چهار چوب قوانین علمی دیگر مانند: علوم طبیعی یا فیزیک، حتی روانشناسی قابل تبیین و توضیح نیست و از زمان ارسطو ماوراءالطبیعه خوانده شد. بعدها چون با قوانین فیزیکی قابل توجیه نبود آنرا متافیزیک خواندند و اینک نیز آنرا فراروانشناسی یا پاراپسیکولوژی می خوانند. هم چنین باید دانست قوانین این علم همانند قوانین فیزیک و طبیعی قابل تجربه و آزمایش مجدد نیستند. مثلاً اگر میکروب یک بیماری را زیر میکروسکپ بگذارند دانشمند و بی سواد، بزرگ و کوچک، زن و مرد، مؤمن و کافر هر کس به میکروسکپ نگاه کند آن را می بیند. ازاین رو اثبات مسائل علمی آسان است و انکار آن امری مشکل، اما در مسایل متافیزیکی نتیجه برعکس است. اغلب یک فرد به تنهایی با یک مسأله روبرو است. به

۱. این مسایل کلی و در سطح جهانی گفته می شود و کشور خاصی مد نظر نیست.

همین دلیل ثابت کردن آن چه را می بیند برای او مشکل است و باور آن برای دیگران مشکل تر. زیرا عقلاً نباید هر کس چیزی را گفت چشم بسته و بدون دلیل باور کرد. (نقل است آن روز که جنازه شیخ بر داشتند خلق، بسیار زحمت می کردند، جهودی بود هفتاد ساله چون بانگ و جلبه^۱ شوند بیرون آمد تا چای است، چون جنازه برسید. آواز بر آورد که ای مردمان آنچه من می بینم شما می بینید؟ فرشتگان از آسمان فرود می آیند و خویشتن را بر جنازه او می مالند. در حال کلمه شهادت گفت و مسلمان شد.)^۲ در این داستان یک جهود که هفتاد سال کینه و دشمنی اسلام را پیش رو دارد به چه وسیله ای باید دیگران را متقاعد کند که:

اولاً: چیزی می بیند.

دوم: آنچه می بیند فرشته است.

سوم: آنچه می بیند ساخته تخیل و ذهنیات او نیست و واقعی است. در حالی که مخالفین سهل بن عبدالله در رد ادعای او کافی است بگویند: برادران به هوش باشید، امروز شیطان و دشمنان اسلام در تلاشند تا با علم کردن افرادی مثل سهل مردم را از اسلام و علما دور سازند امروز شیطان از قبای این مرد جهود سر بر آورده است تا آخرین ضربه را بر ریشه اسلام و مسلمین بزند. چطور است که در میان این همه مسلمان و شاگردان سهل که هر کدام ادعای قطب الاقطابی دارند کسی فرشته ای نمی بیند؟ اما یک مرد جهود که تمام عمرش را در دشمنی اسلام و مسلمین گذرانده است، ادعا می کند که فرشتگان به تشیع جنازه سهل آمده اند؟ یقیناً شیطان به پاس زحمات یکی از مریدانش در تشیع جنازه او شرکت کرده است. به همین راحتی فاتحه سهل و فرشته و جهود خوانده می شود؟ می ماند بیچاره مرد جهود و آنچه دیده است. او بکار خود یقین دارد و براساس آنچه دیده است

۱. جلب = به ضم اول شور و غوغا

۲. تذکره الاولیاء ذکر سهل بن عبدالله تستری

اسلام می آورد و تمامی ایرادها و انتقاد های مسلمانان مخالف سهل بن عبدالله تستری و سرزنش های هم کیشان و زن و فرزندان خود را به جان می خورد. اگر تمام دنیا هم بخواهند او را سرزنش یا تأیید نمایند، برایش مهم نیست. راه خود را می رود. غیر از این هم کار دیگری از عهده اش ساخته نیست. در چنین شرایطی بود که پیامبر اکرم در جواب درخواست سران قریش مبنی بر ترک اعتقادش فرمود: اگر خورشید را در یک کف دستم و ماه را در کف دست دیگرم بگذارند دست از اعتقادم بر نمی دارم.

در طی چند هزار سال سابقه دیرینه این علم، قوانین بسیار محدودی مانند هیپنوتیزم و خود هیپنوتیزم و برون فکتنی روحی و روشن بینی که روزگاری جزء اسرار کاهنان و ساحران بوده است و از دسترس دیگران دور نگاه داشته می شد، اکنون کشف گردیده است. اما این کشفیات هنوز در مقایسه با گستردگی این علم، مانند قطره ایست در برابر یک اقیانوس بیانتها. بدیهی است که با خواندن این کتاب هر چند جواب بسیاری از سؤالاتان را خواهید گرفت، اما یقیناً هنوز بسیاری از مجهولات شما بی جواب خواهد ماند. این امر ناشی از گستردگی این علم و نقص و محدودیت دانش بشر از قوانین این علم است، که قابل تجربه و آزمایش و طبقه بندی نیستند و آنچه را هم کشف گردیده است؛ حقیر نداشته است یا برای بیان همه حقایق شرایط فراهم نبوده است. (و گفت همه کس نازد، بدان چه داند، تا بداند که هیچ نداند، چون بدانست، که هیچ ندانست شرم دارد، از دانش خود تا آنگاه که معرفتش به کمال باشد)^۱

از نظر استاد نیز جواب من همان سخن اوست که فرمود :
(و گفت عجب دارم از این شاگردان که گویند پیش استاد شدیم و لیکن شما دانید که من هیچ استاد نگرفتم که استاد من خدای بود تبارک و تعالی و همه پیران را حرمت دارم.)

۱. شیخ ابوالحسن خرقانی

برای نوشتن این کتاب علاوه بر بیش از ده سال تحقیق و مراجعه به افراد مطلع مدت بیش از دو سال کار مداوم و شبانه روز صرف تنظیم و تقریر یادداشتها و فیش ها شده است و بیش از صدها کتاب به عنوان منابع و مأخذ مورد استفاده قرار گرفته است. چه بسا مطالب یک کتاب چند صد صفحه ای در یک یا دو تمرین خلاصه شده است، که یقیناً بر اهل علم پوشیده نیست اما به لحاظ جلوگیری از تشتت فکر و تمرکز رهروان راه حقیقت از ذکر مأخذ خودداری شده است. از این رو با خواندن این کتاب آن که عارف است و به حالات و اصطلاحات عرفانی آشنایی دارد، قطعاً لذت و بهره وافر خواهد برد اما برای بعضی رهروان و سالکان راه حق، مخصوصاً علما و اندیشمندی که به ظواهر علوم بیشتر توجه دارند تا حقیقت و باطن آن، یقیناً سوالات بیشماری مطرح خواهد شد.

امید است آنان نیز آن کنند که دانشمند و عالمی چون احمد حنبل می کرد (و گفت این علم را ظاهر ظاهری و باطن باطنی است. علم ظاهر و ظاهر ظاهر آنست، که علما گویند، و علم باطن باطن راز جوانمردان است با حق تعالی که خلق را آن جا راه نیست و هر که از او مسألت پرسیدی اگر از معاملتی (ظواهر دین) بودی آن را جواب دادی و اگر از حقایق بودی حوالت بشر حافی کردی).^۱

در پایان ضمن استمداد از کلیه عرفا و اولیاء الله در دستگیری و هدایت ظاهری و باطنی و معنوی حقیر، از کلیه علما و اساتید محترم علوم ظاهری، این انتظار می رود همانند احمد حنبل راه تقوا پیش گیرند و آخرت را به دنیا و آینده را به حال نفروشدند و صرف اینکه خود از علمی بهره نبرده اند آنرا به باد انتقاد نگیرند و جریان گالیله و پاپ و ارباب کلیسا را تکرار نمایند که بجز رسوایی و بد نامی چیزی برایشان نخواهد ماند. چون علم متافیزیک و حقیقت را چند فتوای ساده لوحانه نمی تواند سد راه شود بلکه

مانند هر علم دیگری راه خود را خواهد رفت، به زودی قوانینش کشف و طبقه بندی خواهد شد و به صورت علمی قانونمند و فرمول بندی شده در مراکز علمی جایگاه خود را خواهد یافت. این جا نشد جای دیگر امسال نشد سال دیگر. اما در هر صورت در شرایط کنونی چند مسأله را هم در نظر داشته باشید:

- ۱- معذوریتی که من در بیان بعضی از حقایق این علم دارم ؟
- ۲- این حقیقت را بپذیرید که جامعه ما هنوز آن ظرفیت و گنجایش لازم را برای بیان همه حقایق این علم ندارد .
- ۳- برای جلوگیری از سوء استفاده افراد فاقد صلاحیت، تمام جزئیات این علم را نمی توان بیان کرد .

موفق باشید

ز- احمدی

پیشگفتار

شاید بهتر بود که بجای پیشگفتار این مطالب نیز در مقدمه گنجانده می‌شد. اما از آنجاییکه نوشتن آن مقدمه و اصل کتاب به حدود ده سال قبل برمی‌گردد و قطعاً سبک نگارش و لهجه قلمم در طی این مدت تغییر کرده است لذا بخاطر یکدست ماندن مطالب آن نوشته، موارد زیر تحت عنوان پیشگفتار آورده شد.

هرچند خواننده بعد از خواندن کتاب تمامی جوابهای خویش را خواهد گرفت اما ممکن است قبل از خواندن کتاب چند سؤال به ذهن خواننده برسد که لازم است در همینجا پاسخ داده شود.

موکل: به کسر و تشدید حرف ک، سپارنده کار به دیگری، آنکه کسی را برای دفاع از مال و حقوق یا انجام کارهای مختلف از سوی خود وکیل کند. موکل: به فتحه و تشدید حرف ک، کسی که کار و بار به وی سپرده باشند، گماشته، وکیل، محافظ، نگهبان، مامور و کارگزار و گماشته شده، آنکه برای اجرای دستور و انجام دادن کاری ماموریت داشته باشد. نگهبان، «لغتنامه دهخدا»

منظور ما و تمامی کسانی که از موکل سخن میگویند، همین گزینه است. اما در عمل و در محاوره حتی در ادبیات این لغت با کسر کاف مشدد تلفظ میشود. یعنی غلط مصطلحی است که به جای لغت اصلی استفاده میشود. مانند بر موکلان آب فرات لعنت، «لغتنامه دهخدا»

موکلان عقوبت: ماموران شکنجه

از دولت عشق است به من بر دو موکل هر دو متقاضی به دو معنی نه به همت

«عنصری»

در باغ عهد جای تماشا نماند از آنک صد خار را موکل یک ورد کرده اند

«خاقانی»

در منابع اختصاصی شیعه و سنی همینطور کتب دینی مانند تورات،

انجیل، اوستا، در مورد نقش موجودات متافیزیکی در زندگی انسان صحبت شده است که به مقداری از آن مستندات در متن همین کتاب و در بخش موجودات متافیزیکی اشاره شده است. در جلد ۵۹ کتاب پر بار بحارالانوار چندین باب تحت عنوان «ابواب الملائکه» در مورد فرشتگان و نقش آنها در مواظبت و مراقبت از جهان و انسان و راهنمایی و ارشاد انسان با توضیحات بسیار جالب و مبسوط آمده است. اما بخاطر وجود صدها آیه در قرآن کریم در ارتباط با نقش ملائکه و جن در همکاری با انسان و اداره امور جهان بخاطر جلب اعتماد بیشتر و قطعی خواننده از استفاده کتب حدیث و مطالب نویسندگان دیگر صرف نظر کرده و مستقیماً به سراغ قرآن می‌رویم. با نگاهی اجمالی به قرآن در مییابیم که نقش ملائکه و جن در زندگی و سرنوشت انسان بیش از آنچه تاکنون مورد توجه علماء بوده است می باشد. ما در نوشتن این پیشگفتار از استفاده و یادآوری آن سری از آیات قرآن کریم که در ارتباط با حمل عرش توسط فرشتگان و نظارت آنها بر شب و روز و دریاها و کوهها و بهشت و دوزخ است بخاطر عدم ارتباط با موضوع کتاب در می‌گذریم و فقط به آن سری از آیات شریف توجه خواهیم کرد که در ارتباط مستقیم با سرنوشت انسان است و زندگی فرشتگان و جن و انسان را به هم پیوند داده است.

قرآن در سوره بقره آیه «۳۴-۳۰» میفرماید: از لحظهای که خداوند برای آفرینش آدم اراده نمود، ابتدا آن را با ملائکه در میان گذاشت، آدم را با فرشتگان مورد آزمایش قرار داد. و سپس فرشتگان را به سجده آدم دستور داد و در پایان ابلیس را به خاطر نافرمانی و بیحرمتی به آدم و سجده نکردنش ملعون کرد و از درگاه خویش راند. برای ارشاد انسان جبرئیل را بکار گرفت و قبض روح انسان را به عزرائیل سپرد.

در آیه ۹۷ همین سوره دشمنان فرشتگان را به طور اعم و دشمنان پیامبر و جبرئیل و اسرافیل را به طور اخص هم ردیف دشمنان خود ذکر میکند.

و در پایان آیه میفرماید که اگر کسانی به آن ایمان نیاورند خداوند دشمن آن کافران است.

در آیه ۲۸۵ همین سوره ایمان به ملائکه را برای مومنین همردیف ایمان به خدا و پیامبران و کتب آسمانی ذکر میکند.

در آیه ۳۵ سوره بقره میفرماید آدم و هوا توسط ابلیس گمراه گشته و از میوه ممنوعه خوردند و به این گناه از بهشت رانده شدند.

بدیهی است روابط علت و معلولی که در کل کائنات حکمفرماست و با نظم بسیار دقیقی رعایت میشود توسط خداوند متعال در جهان برقرار گشته است و خود خداوند نیز این نظام را به عنوان نوامیس الهی دقیقاً رعایت میکند. و در کل نظام هستی تمام کارهایش را با همین عوامل حاکم در طبیعت یعنی روابط علت و معلولی انجام میدهد. اگر میخواهد پیامی به بندگانش برساند اول پیامبر را بر میگزیند و بعد برای اینکه پیامش را به آن پیامبر برساند جبرئیل را بر میگزیند و برای رساندن پیام به جبرئیل چیزی دیگر را بر میگزیند که گفته میشود «لوح و قلم» است. حال این آخر ماجراست یا برای رساندن پیام به آن لوح و قلم نیز عواملی دیگر داشته است یا نه؟ بماند. فقط همین قدر بگویم که برای حفظ و حراست از انسان و رساندن روزی به بندگانش و شفای بیمار و ازدیاد رزق و روزی افراد در صورت توسل به خدا هم، یک سری عوامل بکار میگیرد که فقط از او دستور میگیرند.

در آیه ۱۰۲ بقره میفرماید برای آموزش سحر و جادو به مردم بابل دو فرشته برایشان فرستاد.

در آیه ۳۹ آل عمران میفرماید فرشتگان مژده بجهدارشدن زکریا را به او می دهند. در آیه ۴۲ و ۴۳ و بعد به گفتگوی فرشتگان با مریم و بجهدارشدن او و کمک فرشتگان به او، تولد عیسی و معجزات او میپردازد. که تماماً به کمک فرشتگان انجام میگیرد.

زیباترین آیاتی که نقش ملائکه و تسلط آنان بر زندگی ما را بیان میکنند قرآن در آیات ۶۱ و ۶۲ سوره انعام آورده است.

در آیه ۶۳ میفرماید: در حالی که شما خدا را با زاری و در نهان میخوانید چه کسی شما را از تاریکیهای خشکی و دریاها میرهاند؟

در آیه ۶۴ و ۶۵ در باره تسلط خویش بر سرنوشت انسان سخن میراند و میفرماید که خدا شما را از ظلمت و هر اندوهی میرهاند و خدا قادر است از بالای سرتان یا زیر پایتان بر شما عذابی بفرستد به گروههای متفرق تبدیل کند و عذاب بعضی را بر بعضی دیگر بچشاند و الخ

و خداوند بر همه این کارها تواناست چون در آیه ۶۱ و ۶۲ همین سوره میفرماید. او بر بندگانش قاهر و مسلط است چون بر شما نگهبانانی میفرستد که شما را محافظت کنند تا زمانی که مرگ شما را دریابد و سپس به سوی او برگردانده شوید. و فقط اوست که در مورد شما داوری خواهد کرد و او سریعترین حسابرسان است.

قرآن در این آیات و صدها آیه دیگر خیلی صریح، رک، بدون لفافه و پیچیدگی میفرماید که از زمان آفرینش انسان تا لحظه مرگ، قیامت و حتی بعد از قیامت انسان جهت ارشاد، حفاظت، مرگ، رفتن به صحنه قیامت، گرفتن پاداش در بهشت و چشیدن جزا در دوزخ یا در اختیار فرشتگانی است که بر او مسلط هستند یا در کنار موجودات ماورایی مانند حور و غلمان است که به اختیار خود میتوانند از خدمات آنها بهره جوید.

در مورد جن نیز قرآن و دیگر کتب مقدس دقیقاً نظر موافق دارند. جن را تقریباً خواهر دو قلوی انسان معرفی میکنند. موجودی که او را وسوسه می‌کند، مریض میسازد. یا به او آسیبهای دیگر میرساند. «مجلسی در باب ملائکه جلد ۵۹ ضمن بر شمردن انواع ملائک و وظایف گوناگون آنها در ص ۱۵۳ میفرماید: بندهای نیست مگر این که فرشتهای همراه اوست که او را از جن و انس و حشرات و حیوانات مضر در خواب و بیداری حفظ

می‌کند» این فرشته نگهبان همان چیزی است که دانشمندان روحشناس غرب با علم وجودش را ثابت کرده‌اند و از آن بنام روح محافظ و روح راهنما نام می‌برند.

در قرآن هر کجا صحبت از راهنمایی و ایمان به پیامبران و تبشیر و تذییر و حشر و نشر و حسابرسی انسان است. تقریباً خطاب قرآن به انس و جن یکسان است. و صد در صد از فرشتگان نیز بعنوان عوامل اجرایی خداوند نامی برده شده است.

در آیه ۱۱۲ بقره میفرماید: و بدین سان برای هر پیامبری دشمنانی از انس و جن قرار دادیم.

در آیه ۱۲۸ باز انسان و جن را در کنار هم آورده است و انسانهایی را که از جن پیروی کرده‌اند (نه جن را بکار گرفته‌اند) سرزنش کرده و وعده آتش می‌دهد. در آیه ۱۳۰ انعام می‌گوید: ای گروه انس و جن آیا برایتان پیامبرانی از خودتان نیامد. در آیه ۳۸ اعراف میفرماید: همراه امتهایی از جن و انس که قبل از شما بودند داخل در آتش شوید.

در آیه ۱۷۹ اعراف میفرماید: بسیاری از جنیان و انسانها را برای دوزخ آفریدیم. آیه ۶ سوره حجر: کافران گفتند قطعاً تو دیوانه (مجنون = جن زده شده‌ها) آیه ۲۷ سوره شعراء: میفرماید: گفت یقیناً پیامبری که برایتان فرستاده شده جن زده (مجنون) است.

آیه ۱۷ سوره نمل: برای لشکر سلیمان گروهی از جن و انس و پرندگان (حیوانات) فراهم گشت و گروه گروه (هنگ هنگ یا گروهان گروهان) شدند. (بکارگیری جن توسط انسان)

در آیه ۳۹ سوره نمل: جن تنومندی به سلیمان پیشنهاد می‌دهد که قبل از اینکه از جای بلند شوی این کار را (آوردن تخت بلقیس) برایت انجام می‌دهم. (در خدمت انسان بودن جن)

آیه ۱۳ سوره سجده: هر آینه جهنم را از انسان و جن پر خواهم کرد.

خداوند در جای جای قرآن یادآور میشود که مثالهایی که در قرآن بیان میشود صرفاً برای ارشاد و تعیین تکلیف انسان و جن است (چون عملاً تمامی دستورات قرآن برای هر دو خواهر و برادر دوقلوست) مثلاً در اینکه در آیات مکرر ذکر میکند که ما انسانها و جنهای قبل از شما را در آتش افکنندیم یا کسانی را که قبلاً پیامبران خود را کشتند یا به او ایمان نیاوردند چنین و چنان کردیم هدفش قصه گویی یا توجیه عملکرد خویش یا بیان یک حادثه تاریخی نیست. بلکه میخواهد وظایف انسان و جن را در برابر پیامبر به هم عصران او و انس و جن نسلهای بعدی بگوید که اگر به پیامبر صدمهای جانی، مالی، حیثیتی بزنید یا او را تکذیب کنید یا از اطاعت او سرپیچی کنید یا به دین و کتاب او صدمه بزنید یا فقط بخوانید و حفظ کنید و یحتملاً اسفار کتاب مقدس باشید نه عمل کننده به آن، مورد شمات قرار می‌دهد. و وعده عذاب می‌دهد.^۱

به عنوان مثال: خداوند ابتدا در تورات و تقریباً دو هزار سال بعد در قرآن سرگذشت قوم لوط و مهمان شدن دو فرشته بر او و حمله مردم برای تجاوز جنسی به فرشتگان و مهمانان لوط و ویران شدن شهر سدوم را بیان می‌کند. در این جنایت هولناک چندان جاذبه‌ای نیست که خداوند برای رضایت خاطر خویش یا انبساط خاطر بندگانش یا ثبت یک حادثه تاریخی آن را چند هزار سال بعد از لوط برای یهود بیان کند و باز چند هزار سال بعدتر از آن برای مسلمانان بازگو نماید. همچنین هدف خدا از بیان این حادثه این نیست که به قوم یهود بگوید همجنسبازی و مردان منحرف فقط در یک شهر و در زمان لوط بود آن شهر را منهدم کردم و مردمش را نیز به هلاکت کشاندم.

حال ای قوم یهود آسوده خاطر باشید که چنین افرادی در زمان شما و

۱. مورد توجه ارگانها و پدران و مادرانی که فرزندان مسلمانان را به شرکت در کلاسهای حفظ قرآن و شرکت در مسابقات حفظ و قرائت قرآن تشویق میکنند نه عمل به آیات قرآن و فقط به حافظان و قاریان قرآن جوایز ارنده میدهند نه به عملکنندگان قرآن

در شهر شما پیدا نمیشود و باز چند هزار سال بعد از آن برای اعراب و مسلمانان بازگو کند: همانطور که به یهود گفتم لازم است برای آسودگی خیالتان برای شما هم بازگو نمایم نه تنها از زمان لوط تا زمان موسی چنین چیزی پیدا نشد بلکه تا زمان شما هم چنین چیزی نیست و لازم نیست مراقب فرزندان و نگران مردان منحرف و همجنسباز باشید؟!!

بلکه هدف خدا از بیان این حقیقت تاریخی با تمام جزئیات در تورات این است که این یک واقعیت تاریخی است و چنین افرادی پیدا میشوند و نه تنها به مردم شهر خویش رحم نمیکنند بلکه به افرادی که از جایی دیگر آمده و مخالف آن اندیشه و هوسبازی هم هستند رحم نمیکنند و شما یهودیان و مسیحیان و مسلمانان بدانید که به صرف اعتماد به فرزندان خود و صاحبخانه، فرزندان معصوم خویش را (چه دختر، چه پسر، چه زن، چه مرد و چه بزرگ و چه کوچک) به هرخانهای نفرستید و دست هر کسی نسپارید که حتی اگر آنها فرشته هم باشند ممکن است در منزل پیامبر هم امنیت نداشته باشند. چه بسا که زن یا یکی دیگر از افراد صاحبخانه با خائنین همدست باشد. و شرایط انحراف یا تجاوز جنسی به او را فراهم سازد. همچنین اگر یکی از زوجین فردی بدکار یا درستکار بود الزاما همسرش نیز هم عقیده او نیست. قرآن به هر دو مورد توجه داشته است در داستان فرعون مرد کافر است اما همسرش مورد تایید خداست و در داستان لوط قضیه بر عکس می شود.

این داستان از بعد دیگری نیز حائز اهمیت است. از نظر عقلی و جامعه‌شناسی و روانشناسی و بررسی احساس و عواطف جنسی مرد و زن نیز قابل بررسی است. انسان فکر میکند زنان باید بخاطر تعصب جنسی و حفظ منافع جنسی خویش مخالف هم جنس بازی آقایان باشند. و اگر زنی همسری داشت که مخالف همجنسبازی است باید آن زن موافق افکار و احساسات همسرش باشد و به وجود او افتخار کند. اما داستان همسر

لوط این عقیده را رد میکند. همسر لوط نه تنها با همسر خویش همفکر و هم عقیده نیست بلکه با هم جنس بازان مخالف او همدست و هم مسلک است (گفته میشود قانون همجنسبازی آقایان در انگلیس بارها در دولت آقایان مطرح و رد شد تا در زمان خانم مارگارت تاچر تصویب شد).

پس با توجه به شرح بالا خداوند میخواهد همانگونه که به هنگام اعلام وجوب روزه بر مسلمانان وجوب آن حکم در ادیان دیگر را مطرح میکند در باب لواط و همجنسبازی نیز اعلام کند که این عمل از گذشتهها مورد لعن او بوده و مجرمین را در آتش سوزانده و هنوز هم ای یهودی، ای مسیحی، ای مسلمان حکم من همان است و دیدگاه من همان. نه تنها مرتکبین به آن عمل را مجازات خواهم کرد بلکه همفکران و هماندیشان آنها را هم در آتشی که برای آنها بر پا کردهام سوزاند حتی اگر آن خلافکار یا هم اندیش همسر پیامبر باشد.

حال با این شرح تقریباً به ظاهر خارج از بحث اصلی خود اما لازم، دوباره برمی گردیم به بحث جن.

تا اینجا در ارتباط با دوقلو بودن انسان و جن در ارتباط با تکالیف الهی آیاتی از قرآن کریم آورده شد آیاتی که نه تنها مورد تایید شیعه و سنی است و هیچ مسلمانی را یارای مخالفت با آن نیست بلکه به همین اندازه و بلکه بیشتر در ادیان دیگر نیز مورد توجه است.

نقطه اوج و شاهکار این داستانهای حقیقی را خداوند در آیه ۱۲ سوره سبا برای پیامبر و مسلمانان بیان میکند. در این آیه خداوند میفرماید: «برای سلیمان باد را مسخر ساختیم که صبحگاهان مسیر یک ماه را می پیمود و شبانگاه مسیر یک ماه را، و برایش چشمهای از مس روان ساختیم. و گروهی از جن به دستور پروردگارشان برای او کار میکردند و هر یک از آنان از دستور ما سر پیچی میکرد او را عذابی دردناک میچشانیدیم ... و من الجن من يعمل بین یدیه باذن ربه و من یزغ منهم عن امرنا نذقه من عذاب السعیر».

در این آیه بسیار جذاب خداوند چه چیزی را میخواهد بیان کند؟

۱- میخواهد دل پیامبر و مسلمانان را بسوزاند و بگوید به سلیمان چیزی داده بود که پیامبر و مسلمانان لیاقتش را ندارند؟!

۲- بگوید پیغمبر هم پیامبران سابق! بعد سلیمان این حسرت به دلان ماند که پیامبری غیر از سلیمان، از باد استفاده کند یا در صدد کشف فلزی برآید، یا جن را در تصرف بگیرد؟!

۳- این مسائل و این امتیازات فقط از آن سلیمان بود، ای پیامبر و ای مسلمانان مبدا شما دنبال این حرفها باشید که:
اولاً: من راضی نیستم.

دوماً: زحمت بیخودی است به جایی نخواهید رسید؟!

۴- هیچ کدام از این حدسیات نیست بلکه خداوند در این آیه و این داستان همانند داستان لوط دارد حکمی را بیان میکند. و آن جواز استفاده از نیروی باد و کشف و استخراج فلزات و اسفاده از نیروی موجودات دیگر مخصوصاً جن است. حتی به جرئت میتوان گفت نه تنها خداوند در این آیات دارد جواز استفاده را صادر میکند بلکه تلویحاً مسلمانان و کل بشریت را برای استفاده از این نیروها تشویق میکند. چون اسلام مخصوص اعراب و ایران و خاورمیانه نیامد بلکه کل بشریت و جن و انس را مورد خطاب قرار میدهد و به آن فرا میخواند. در این آیه صراحتاً قید میکند که از جانب خدا به جن دستور داده شده است که خدمتگزار انسان باشد و در صورت اعتراض یا طغیان یا سرپیچی با عذابی دردناک مجازات خواهد شد. آیا این یک نوع اطمینان و قوت قلب بخشیدن به انسان در استفاده از جن نیست که «او از جانب خدا مامور خدمت به انسان است، همانطور که فرشتگان از جانب خدا مامور حفاظت از انسان هستند»

باز هم خداوند در آیه ۵۶ سوره زاریات میفرماید: ما انسان و جن را نیافریدیم مگر برای اینکه مرا پرستش و عبادت کنند.

آری خدمت جن به انسان حکم خداست و جن و انسان باید به عنوان یک عمل تعمیدی و اطاعت از اوامر الهی آن را بپذیرند و توان مخالفت با آن را ندارند. قرآن در مورد جن بیان کرده است که مخالفت با این حکم موجب عذاب دردناک خواهد بود آیا در صورت مخالفت انسان با این حکم و حرام کردن این حکم صریح قرآن، انسان مصون از عذاب دردناک خواهد بود یا همانند سایر گناهان به همراه جن در چشیدن آن عذاب سهم و یکسان خواهد بود؟

یکی دیگر از زیباترین آیات قرآن که سرنوشت انسان و جن را به هم پیوند می‌دهد، نه در عبادت و اطاعت از اوامر الهی است بلکه در بیان تشابه احساسات و آرزوها و بلند پروازیهای آنان است. قرآن در آیه ۳۳ سوره رحمان میفرماید: «یا معشر الجن والانس ... ای گروه جن و انس اگر (میخواهید به آرزوی پرواز و امید سیر در کرات و آسمانها و بلندپروازی‌هایتان، چه روحانی و از طریق برونفکنی روحی و چه جسمانی و به کمک ابزار پرواز و با استفاده از نیروی باد، از کایت و چتر نجات «قالیچه حضرت سلیمان» گرفته تا هواپیما و جت و موشک و ... که در آیه قبل توضیح داده شد.) میتوانید از مرزهای آسمانها و زمین بگذرید. پس بگذرید. (حال خداوند نه تنها از عملی کردن این آرزو جن و انس را منع نمی‌کند بلکه به راهنمایی او میپردازد و میفرماید) ولی هرگز نمیتوانید مگر با (کمک) نیرویی فوقالعاده.

این آیه چقدر زیبا و جامع آیه قبل را که در مورد استفاده سلیمان از نیروی باد و استخراج و ذوب فلزات و همکاری جن و انسان بود توضیح میدهد. که این همکاری فقط به سلیمان و عصر او منتهی نمیشد و خداوند مستقیماً به جن و انس دستور میدهد که این همکاری تا ابد و کشف و تصرف فضا و گذشتن از مرز آسمانها ادامه داشته باشد.

اما سؤالی که در اینجا مطرح است آن نیروی فوقالعاده که خداوند جن

و انس را برای خروج از آسمانها (نه کرات و کهکشانها) به آن راهنمایی می‌کند کدام است. این همان چیزی است که موضوع این کتاب و کتاب عرفان جدید را تشکیل می‌دهد. بدیهی است که انسان حداکثر میتواند به سرعت نور دست یابد (که امکان پذیر نیست) با سرعت نور اگر میلیونها و میلیاردها سال در حرکت باشد فقط در آسمان اول سرگردان است تا برسد به عبور از آسمانها و سیر در آسمانهای دیگر. و این امکان پذیر نیست مگر با کمک ارواح طیبه و مقدس و نیروی فوق‌العاده او و کمک و استمداد از نیروی فرشتگان که قرآن می‌فرماید براحتی طول و عرض آسمانها را طی می‌کنند و کائنات را در می‌نورند.

خوانندگان بیدار دل و هوشیار خود واقفاند که من برای نقش فرشتگان در زندگی انسان فقط به بررسی بسیار ناقص سه سوره پرداختم و از سه سوره شاهد آوردم و در بررسی جن چون کمی حساستر از موضوع فرشته است فقط از ده سوره از صدوچهارده سوره قرآن شاهد آوردم. و اگر به بررسی کل قرآن می‌پرداختم قطعاً کتاب من نیز مثل تاریخ ابن خلدون پیشگفتار و مقدمه‌هاش معروفتر و جذابتر از خود کتاب میشد و در چاپهای بعدی این احتمال بود که ناشر فقط مقدمه و پیشگفتار را چاپ کند و اصل کتاب را رها سازد.

بدیهی است که با استناد به معدود آیاتی که از صدها آیه قرآن آورده شد که سرنوشت انسان از پیش از آفرینش تا قیامت و بعد از آن با فرشتگان گره خورده است. و خود خداوند فرشتگان را موکل و مامور خدمت و حفاظت از انسان قرار داده است. عقلاً و شرعاً هم کمک خواستن و استفاده بهینه از محافظین شخصی برای انجام امور خاص شخصی بلا اشکال است و اصولاً خداوند به همین دلیل به این مسائل اشاره میکند که انسان بداند که سرنوشتش با کی گره خورده است و محافظ او کیست که بیراهه نرود و بداند در صورت نیاز از همان منابع جایز کمک بخواهد نه منابع و موجودات دیگر.

قرآن نه تنها کمک فرشتگان به انسان را منع نمیکند بلکه در آیه ۱۲۵

سوره آل عمران میفرماید که در صورت صبر و پرهیزگاری خداوند ۵۰۰۰ فرشته را به کمک انسان (مجاهدین) میفرستد.

چطور کمک فرشته به انسان میتواند حرام باشد اما خود خدا آن را در اختیار انسان قرار داده و محافظت از انسان را به عهده کسی میگذارد که کمک او به انسان حرام است.

چیزی که در قرآن منع شده است در آیه ۴۰ سوره اسراء بیان میشود که کفار فرشتگان را دختران خدا میدانستند و به عنوان دختران خدا از او کمک میخواستند. و در آیه ۱۱۱ همین سوره آنان را سرزنش میکند و میگوید: بگو سپاس و ستایش مر خدایی راست که نه فرزندی گرفته است و نه در اداره امور شریکی دارد (فرشتگان در انجام وظایف محوله مامور او هستند و از او دستور میگیرند نه اینکه در اداره جهان شریک او باشند).

در آیه ۴۰ سوره سبا نیز میفرماید: روزی که خداوند همه آنان را بر می‌انگیزاند و سپس به فرشتگان میگوید: آیا اینها شما را میپرستیدند؟ در دنباله آیه ۴۱ فرشتگان جواب میدهند آنها جن را پرستش میکردند.

باز در آیه ۱۵۰ سوره صافات و به بعد کفار را سرزنش میکند که چرا فکر میکنند خداوند فرشتگان را مؤنث آفریده و تهمت فرزند داشتن به خدا می‌دهند و میان خدا و جن خویشاوندی قائلند.

در آیه ۱۹ سوره زخرف باز کفار بخاطر اینکه فرشتگان را مؤنث میپندارند سرزنش میکند. (چون باز نسبت دختران خدا به آنها میدادند و تحت همین عنوان از آنها کمک میخواستند).

سخن آخر را خداوند در مورد فرشتگان و جن و کمک خواستن انسان از آنها در آیه ۲۶ سوره نجم میفرماید: «وچه بسیار فرشتگان آسمانها که شفاعت آنها سودی نمیبخشد. مگر پس از این که خداوند برای هر کس که بخواهد و راضی باشد اجازه (شفاعت و مساعدت) دهد.

در این آیه و شرح آیات قبل، خداوند تکلیف مؤمن را مشخص میکند

کمک خواستن از فرشتگان و جن به عنوان دختران و خویشاوندان خدا و شریک در امر فرمانروایی با خدا ممنوع و حرام و موجب شرک و عذاب است و بیشتر. اما کمک خواستن از آنها با رضایت خدا و به عنوان بندگانی که از سوی خدا مامور حفاظت و خدمت به انسان هستند جایز.

بدیهی است که شخص ذاکر قبل از آنکه به قدرت فرشته و جن توجه داشته باشد به عظمت پروردگار و لطف بیحد و بیکران خداوند متعال توجه دارد و قصدش از شروع ذکر انجام اوامر الهی و توجه به لطف الهی است (الابذکر الله تطمئن القلوب توجه داشته باشید که تکرار نام خدا موجب آرامش دلهاست) و آرامش روح و روان و برخورداری از فیوضات معنوی خود اسم شریف است نه کمک خواستن از فلان فرشته یا فلان جن. در مورد جن هر چند همان گونه که شواهد آن از قرآن آورده شد. کمک خواستن و بکار گماشتن جن منع شرعی ندارد اما ذاکرین اسماء الهی به دلیل اهداف والایی که دارند و برای انجام آن اهداف نیز جن همانند انسان ناتوان است لذا با حضور جن در محافل خویش شدیداً مخالفند. بنا بر این در این کتاب توصیه در جهت دور ساختن آن شده است تا نگهداری و بکارگیری آنها. اما در مورد فرشتگان. شخص ذاکر بنا به حکم خدا که در جای جای قرآن مردم را به ذکر اسماء الهی تشویق و ترغیب میکند. برای رضای الهی و تقرب به خدا ذکر میگوید اگر هم زمانی چه در خواب و چه در برون فکنی چه در بیداری فرشتهای بر او ظاهر شد و اسمش را به او گفت شخص ذاکر یقین دارد که فرشته برخلاف جن و انسان هرگز نافرمانی خدا نمیکند. اگر اسمش را به شخص ذاکر گفته است قطعاً رضایت و اذن الهی داشته است. تازه بعد از همه این مراحل باز هم هرگز شخص ذاکر،

اولاً: به جزء موارد اضطراری و به ناچار از موکل آن اسم کمک نمیخواهد. دوماً: باید ابتدا کلمه ذکر یعنی آن اسم الهی را باید گفت و بعد اسم موکل را صدا زد و از او خواهش کرد که به اذن خدا و حرمت آن اسم مقدس

و برای رضایت خدا کاری انجام دهد. آن کار هم باید در راستای اهداف والای خود ملائکه هم باشد وگرنه از انجام آن معذورند.)

سوماً: کمک خواستن از اسماء الهی و آیات و سور کتاب الهی در تمامی مذاهب و ادیان الهی امری مقدس و پسندیده است.

کدام روحانی در مذهب شیعه یا اهل تسنن میتواند منکر تأثیرات ماورایی و به حق «آیت الکرسی» و آیه «وان یکاد» و «چهار قل» باشد. یا اثرات معنوی را که برای سوره «یس» یا «واقع» ذکر میکنند منکر باشد. یا جرأت کند و خواندن این آیات و سور مبارکه را برای امور دنیوی مانند محافظت از بلا یا شفای بیمار یا ازدیاد رزق و روزی شرک معرفی کند.^۱ اما تا اینجا صورت عوامانه قضیه است. که برای عوام گفته میشود. همانطور که در ترجمه آیات قرآن گفته شد حقیقت این است در ورای این دعا خواندن‌ها یک سری عوامل در کارند تا مقدمات شفا یا دفع شر یا ازدیاد رزق و روزی را فراهم سازند و ائمه و پیامبران از گفتن و افشای آن به عوام خودداری کرده‌اند. زیرا به نتیجه کار توجه داشته‌اند نه چگونگی انجام آن. درست مانند نسخه‌های پزشکان که برای هر بیماری فقط چند دارو مینویسند و دستوراتی شفاهی میدهند. اما از افشای چگونگی عملکرد و تأثیر دارو در بدن بیمار و روند بهبودی بیماری خودداری میکنند. حال به کسی که در مورد خواص یا چگونگی عملکرد دارو اطلاعاتی میخواهد اگر گفته شود شما از نسخه خوانی پزشکان چیزی دستگیرتان نمیشود و باید کتابهای دیگری بخوانید که خود امراض و خواص داروها را بیان کرده است. این به معنی مخالفت با پزشک و کوچک شمردن کار و شخصیت او و مخالفت با وزارت بهداشت و درمان نیست.

بدیهی است همانطور که گفته شد خداوند تمام کارهایش را با همین عوامل حاکم در طبیعت یعنی روابط علت و معلولی انجام میدهد. پس بعد

۱. اهل تسنن به این عمل یعنی دعا خوانی و دعا نویسی از روی قرآن را رقیه نویسی و رقیه خوانی میگویند و برای آن بیشتر از ما روایت و حدیث از رسول اکرم نقل میکنند و آن را در باب طب نبوی ذکر می‌کنند

از خواندن هر سوره برای شفای بیمار و ازدیاد رزق و روزی هم یک سری عوامل دست بکار میشوند که فقط از او دستور میگیرند. منتهی این ذکرها و این آیات که همگی یا نام شریف اوست یا کلام قرآن، برای موکلین مانند یک رمز عمل میکنند. مانند عملکرد پرچم کشورها برای افراد همان کشور یا مانند عملکرد پرچم سفید رنگ یا پرچم صلیب سرخ یا هلال احمر در میدان جنگ. که برای عدهای مسئولیت ایجاد میکند که پرچم سفید دست هرکس بود جاننش را امان دهند یا با دیدن پرچم صلیب سرخ و هلال احمر برای کمک به افراد زخمی آنجا بشتابند. پس هر سوره یا هر ذکر مثل یک تابلو راهنمایی یا یک پرچم خاص برای عدهای مسئولیت ایجاد میکند که کاری خاص را به انجام رسانند یا از انجام کاری خاص نسبت به شخص ذاکر خودداری ورزند. این یک بعد قضیه است. باز هم قسمی دیگر از موکلین را برایتان معرفی میکنم. ما هرساله شاهدیم که افرادی عاشق امام حسین هستند اما نه سینه و زنجیر میزنند و نه پای روضه میروند و گریه می‌کنند، اما عشق خود به امام حسین و خدمت به آن بزرگوار را به گونهای سوای همه این روشهای متداول نشان میدهند. هرکس به اندازه وسع و توان خود آب یخ، شربت، غذا؛ تهیه میکند و به سیل عزاداران میدهد. علی‌المویه و بدون چشمداشت اجرت و پاداش. حتی اگر یک یهودی هم قاطی جماعت باشد و بداند که او یهودیست، نه او را مستثنی میکنند. نه به رویش می‌آورند که این مال دوستداران و عزاداران امام حسین است شما چرا؟ شامل شما نمیشود. (تلویزیون ایران از مراجعه و صف زردشتیان برای گرفتن غذای امام حسین در یکی از محلات تهران یک گزارش نشان داد. که هم زردشتیان میدانستند این غذا مال امام حسین است و هم صاحب غذا میدانست که این صف مال زردشتیان است اما با احترام ظرفشان را پر از غذا میکردند) پس عدهای از موکلین بخاطر عشق به خدا یا آن سوره خاص برای شخص ذاکر کاری انجام میدهند. که من به نمونههای بسیاری از اینگونه ملائک برخورد

کرده‌ام که به خاطر حرمت به یک اسم مقدس و عشق به صاحب آن نام مقدس برای شخص ذاکر کاری را انجام می‌دهند که متأسفانه از گفتن شرح آن معذورم. در پایان لازم است این پیشگفتار را با چند جمله از دیباچه کتاب ارزشمند «اسرار کائنات» چاپ انتشارات به نگار (تهران) نوشته آقای ابراهیم ویکتوری دانشمند ایرانی و تئوریسین ناسا تمام کنم که می‌فرماید: «گاهی اوقات ما (دانشمندان) قادریم فقط بخشی از معما را حل کنیم، یکی از آن موارد، مساله ماهیت ماده تاریک یا جرم گمشده است که به دهه ۱۹۳۰ باز می‌گردد. ما می‌دانیم که نمی‌توانیم حدود ۹۵ درصد جرم عالم را ببینیم، اما میدانیم که وجود دارد چون اثرش را بر مواد مرئی عالم می‌بینیم. چندی پیش کشف شد که جرم نوترینوها حدود ۳۰ درصد جرم گمشده عالم است. اما ماهیت بقیه ماده تاریک نامشخص است.»

آری ای برادر تمامی این میلیاردها کهکشانه‌ای کشف شده که طول و عرض هر کدام نیز چندین میلیارد سال نوری می‌باشد. فقط ۵ درصد جهان شناخته شده هستی را تشکیل می‌دهد، شناخت بقیه آن که از قلمرو ابزار علمی خارج است. بجز از طریق سفرهای روحی که قادر است آن ماده‌های تاریک و جرم گمگشته و سایر موجودات و جهانهای نامرئی را ببیند و بشناسد و درنوردد به چه طریق دیگری و با کمک چه نیروی فوق‌العاده‌ای به جز جن و فرشته و ارواح طیبیه شناخته میشود؟ این است آن موضوع مورد توجه ما و این است هدف ما از ادامه و ارائه این تمرینها یعنی شناخت جهان غیب، جهانی که ایمان مومن در گرو ایمان به آن است و شناخت عظمت واقعی پروردگار در گرو شناخت عظمت این جهان غیب.

و استفاده از موکل برای امور معنوی و شناخت جهان غیب و سفرهای روحی بهترین و تنها گزینه است. که هدف نهایی خوانندگان این کتاب است.

مشهد مقدس، ز - احمدی